

لایحه قانونی مطبوعات بازتاب روح انقلاب ایران نیست



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۵ ریل

وزارت ارشاد ملی، لایحه قانونی مطبوعات را منتشر کرده است تا افکار عمومی در باره آن نظر خود را اعلام کند.

این لایحه، بنظر ما، دارای نقائص بسیار جدی است و باین شکل نمیتواند بازتاب روح انقلاب ایران باشد که یکی از اهداف آن کسب آزادیهای دموکراتیک از جمله آزادی مطبوعات بود. بر بنیاد خواست های دموکراتیک حزب ما از آزادی مطبوعات، ایرادات

زیرین بر لایحه جدید وارد است، ماده ۲

در ماده دوم این قانون ۶ شرط برای صاحب امتیاز شده اند، از جمله، نداشتن محکومیت کفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد و «معروف بودن بدستی و امانت داری و تقوای سیاسی و حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی». هر چند در اصل موضوع نداشتن محکومیت کفری حرفی نیست، اما

آنچه عباداً یا سهواً دل اینها فراموش شده است، محکومیت کفری بوجوب کدام نظام ورژیم!

نکته بعد، کلی و قابل تفسیر بودن تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی است. و با توجه به آنکه در مواد بعدی تشخیص این صلاحیت و تقوای بعدی وزارت ارشاد ملی و وزیر آن سپرده شده، براحتی می شود به کسی پاکسانی امتیاز نداد. در همین ماده تصریح شده است که

د امتیاز نشریه با اشخاص حقیقی... داده می شود «باین ترکیب لایحه، احزاب، جمعیت ها، گروهها و سازمان های سیاسی را در واقع برسمت شناخته و اینگونه شخصیت های حقوقی نخواهند توانست نشریه منتشر کنند. ماده ۳ در این ماده آمده که هنگام درخواست برای دریافت امتیاز باید در اظهارنامه نوع نشریه و اصول فکری و اعتقادی و بقیه در صفحه ۴

بانک های خصوصی ملی شدند باید سایر عوامل غارت و وابستگی را نیز ریشه کن کرد

شورای انقلاب اسلامی با تصویب قانون ملی شدن بانک های خصوصی نخستین گام در راه ایجاد زمینه لازم برای سالم کردن اقتصاد کشور برداشت. این گامی است مثبت که مورد تأیید کامل حزب ماست. بانکهای خصوصی، که در دوران سلطنت محمدرضای مخلوع، بخصوص در دوران پس از «انقلاب سفید»، با سرعت وجود آمدند و گسترش یافتند، بر تمام پیکر اقتصاد بیمارگونه کشور چنگ انداختند و بر ضعف و شکنندگی آن بصراحت افزودند.

بانک های خصوصی، که با سرمایه اولیه ناچیز وارد میدان شده بودند، با گردآوری سپرده های مردم و سایر منابع، مبالغی عظیم، که ۱۰-۱۵ بار بیش از سرمایه بانکی آنها بود، به غارت مستقیم و غیرمستقیم همین مردم پرداختند. در پایان سال ۱۳۵۶، از جمع سپرده های بانکی، ۴۶۵ میلیارد ریال سپرده جاری بدون بهره، ۶۴۶ میلیارد ریال سپرده پس انداز با حداکثر ۸ درصد بهره و ۶۶۱ میلیارد ریال سپرده مدت دار با حداکثر ۱۰ درصد بهره بود. باین ترتیب بانکها بطور متوسط ۶٫۶ درصد بهره سالانه به این سپرده ها پرداختند، ولی در مقابل وامها و اعتبارات اعطائی خود، بیش از ۱۳ درصد، یعنی نزدیک به دو برابر بهره می گرفتند.

این بانکها سرمایه های گردآوری شده را، بجای آنکه در امور تولیدی بکار اندازند، بیشتر به فعالیت های سودآور غیر تولیدی تخصیص میدادند (اعتبارات کشاورزی و صنعتی و ساختمانی فقط ۳٫۴ درصد کل اعتبارات را تشکیل میداد). اعتبارات تولیدی نیز بیشتر در دسترس بزرگترین سرمایه داران وابسته، که خود در عین حال صاحبان بانک های خصوصی بودند، قرار میگرفت. سرمایه داران و تولیدکنندگان کوچک از اعتبارات و تسهیلات بانکی بهره ای نداشتند و زیر فشار سیستم بانکی، رباخواری و رقابت کالاهای خارجی و تولیدکنندگان بزرگ داخلی دچار ورشکستگی میشدند.

بانک های خصوصی که بدست سرمایه داران بزرگ تشکیل میشدند، امکان درآمیختن سرمایه های بانکی را با سرمایه های صنعتی فراهم آوردند و باین ترتیب باعث پیدایش سرمایه مالی، که نمودار نهایت فساد نظام سرمایه داری است، گردیدند. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بزرگترین نمونه درآمیختگی سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی است. وامها و سرمایه گذاری های این بانک در مهمترین بخش های اقتصادی کشور، از ۸۴۵ میلیون ریال در سال ۱۳۴۴ به ۳۳۶۸ میلیون ریال در سال ۱۳۵۴ رسید، یعنی ۴۰ برابر شد!

بقیه در صفحه ۵

توطئه هایی از همه رنگ در کار است! آنهایکه به آرمانهای خلقی و ضد استعماری انقلاب پیگیرانه وفادارند، دقت کنند که در انواع دامهای گسترده نیافتند!

زود بیدان آمدند و فرصت را از چنگ مردم ربودند. حالام میخوانند همان صحنه را تکرار کنند و اگر بتوانند ستارخانها و حیدر عمو و غلی های انقلاب را سر به نیست نمایند. ولی مردمیکه در این انقلاب دهها هزار شهید دادند، بکلی خواست دیگری دارند. آنها امپریالیسم امریکامتعدیش را دشمنان استقلال ملی و حاکمیت خلقی میدانند و میخواهند ریشه سیاست نو- استعماری امپریالیسم در ایران برکنده شود. میخواهند صدها قرارداد نظامی، تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی سری و علنی با امپریالیسم لئوگردد. میخواهند عمده سال در پسرده بی برده امپریالیسم از مقامات حساس جامعه دور شوند. زیرا این شرط اصلی مستقل بودن است و مستقل بودن پایه اساسی آزاد بودن آزادی، درجه آزادی و سرمایه داری وابسته و اسارت در چنگ امپریالیسم، ممکن نیست.

مردمی که در بخش انقلاب، به بزرگترین پایدارهای حماسی، که در تاریخ انقلابات کم نظیر است، دست زده اند، میخواهند اکثریت جسامه در تمییز سر نوشت کشور شریک گردند، میخواهند جلوی غارتگری سرمایه های بزرگ وابسته گرفته شود، میخواهند حقوق اقلیت های ملی و خود مختاری آنها تأمین گردد. آنها نول به این هدفها را شرط آزادی واقعی میدانند، نه اینکه چند روزنامه امکان یابند که شهرین زبانی کنند و یا چند گروه و چل سیاسی بتوانند جلوه گری نمایند، و در پس پرده این شهرین زبانیها جلوه گریها، امپریالیسم و سرمایه وابسته به غارتگری خود کماکان ادامه دهند.

ما باین ایندومشی، مشی لبرالی و مشی دمکراتیک تفاوت ماهوی است. حوادث روزهای اخیر، بحث در کنگره امریکا، واکنش جامعه ما، نمایش ضد امپریالیستی مردم ایران، نقطه ای در کنگره و کلای دادگستری، همراه

بقیه در صفحه ۴

- رویدادهای ایران
- ۱ - حرف کافی نیست، قاطعانه عمل کنید
- ۲ - قضاوت کنید، دشمن اصلی انقلاب ایران کیست؟
- ۳ - اشتباه نشود! مردم خواهان لغو قرارداد های اسارت بار هستند.
- ۴ - بزرگداشت روز به در
- سندج
- «مشرح خبرها در صفحه ۲۷»

کشیده شده اند، اکنون نیز به تفکر سیاسی خود وفادارند، برای آنها کماکان مسئله مرکزی، مسئله «آزادی»، آنها بمعنای خاص بورژوازی کلمه است. مسئله روشن است، آنها همه چیز دارند. امپریالیسم، یا به بیان انسان «دمکراسی غربی» و همچنین «نظام سرمایه داری»، مزاحمتی برای آنها نبوده و نیست. بلکه برعکس، آنها فقط میخواهند از «سپرده اعضای خسانواده پهلوی»، خلاص و در حکومت شریک شوند، که این منظور، باضاف، به برکت خون و اشک مردم انقلابی، به برکت سر سختی و اراده امام خمینی در جریان رهبری انقلاب، حاصل شده است. حالا فقط یک چیز میخواهند، «آزاد باشند»، آزاد باشند تا وزیر و وکیل شوند، آزاد باشند تا تجارت کنند، آزاد باشند تا از انواع امتیازات برخوردار گردند، آزاد باشند که از انقلاب خاق میوه چینی کنند. در انقلاب مشروطیت نیز این میوه چینیان

وضع در کشور ما، پس از یک انقلاب بزرگ و دوران ساز، که یکی از مهمترین پایگاه های سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم را از چنگش بیرون کشید، دوران پیچیده و پر جوش و خروش را میگذراند. دورانی که بنوعی پیچیدگی سیاسی- اجتماعی آن به واسطه از دوران براندازی رژیم شاه مخلوع بیشتر است. پس از آنکه وظیفه دشوار و مهم از میان برداشتن سد استبداد سلطنتی دست نشانده امپریالیسم برداشته شد، اینک جامعه میخواهد «انتخاب کند»، پس از سلسله منحوس و فاسد پهلوی چه کند، از کدامون راه برود و چگونه جامعه ایران را در جهت سمت های اساسی سوق دهد؟ کسانیکه در بخش اول انقلاب (بخش براندازی) سیاست سازشکارانه شاه باید سلطنت کنند نه حکومت، را مصرأ دنبال میگردند، و سپس بدنبال رهبری قاطع ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی امام خمینی، خواه و ناخواه،

پروفیسور مکری گفت:

روابط ایران و شوروی بسیار خوبست

آقای پروفیسور محمد مکری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی طی مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری مطبوعاتی نووستی، در مورد روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی اظهار داشت:

«ما برای استحکام بیشتر روابط حسن همجواری با همسایه شمالی خود کوشش خواهیم کرد. ما می توانیم و باید به اجرای اصول حق حاکمیت کشورها نائل شویم، اصولی که اتحاد شوروی در راه تحقق آنها مبارزه میکند و ما تمام و کمال از آنها پشتیبانی میکنیم. ما بدون مداخله در امور یکدیگر میتوانیم و باید روابط دوستانه واقعی و مستحکم بین کشورهای خود ایجاد کنیم. رهبران دولت ما - نخست وزیر مهدی بازرگان، وزیر امور خارجه دکتر ابراهیم یزدی و سایر شخصیت های بلند پایه تصریح نموده اند که ما میخواهیم با تمام کشورهای و بیوز به اتحاد شوروی که نزدیک ترین همسایه ما است، مناسبات دوستانه و صمیمانه داشته باشیم.»

آقای پروفیسور مکری افزود: «روابط سیاسی بین کشورها بر امور مشخص استوار است. ما باید روابط اقتصادی، فرهنگی و بازرگانی را با رعایت منافع یکدیگر همه جانبه توسعه دهیم. و این امر کلاماً مسر است، زیرا اتحاد شوروی مانند کشورهای سرمایه داری استثمارگر نیست. اتحاد شوروی هرگز از پشت بما شرب نزد و به انقلاب ما لطفه وارد نیاورد.»

بدین ترتیب تمام امکانات برای توسعه دادن مناسبات ما بر مبنای معقول و قابل قبول برای طرفین موجود است و این امر البته بر بهبود روابط سیاسی بین اتحاد شوروی و ایران تأثیر خواهد گذاشت. برای توسعه چنین روابطی امکانات مطلوبی فراهم میشود، چرا که نهاد اجتماعی جمهوری اسلامی ایران اصول سرمایه داری را نمی پذیرد. به همین سبب علاقه ما نمیتواند بسوی دنیای سرمایه داری باشد. تمام شرایط برای بسط دوستی واقعی با اتحاد شوروی وجود دارد.»

در مورد توسعه روابط فرهنگی ایران با اتحاد شوروی آقای پروفیسور مکری اظهار داشت: «کشورهای ما از نظر روابط فرهنگی بسیار بهم نزدیکند... من مطمئن دارم که روابط فرهنگی ما بسط و تحکیم خواهد یافت. در اتحاد شوروی آثار زیادی در موضوعات فرهنگ، تاریخ و ادبیات ایران با تیراژ زیاد چاپ و منتشر میشود.»

بقیه در صفحه ۴

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

درد بر جبهه خلق برای آزادی عمان

نوزدهم خرداد (مطابق ۹ ژوئن) امروز تولد جبهه خلق برای آزادی عمان است که امسال شانزدهمین سالگشت حیاتش را در آن روزم پرافتخار آنتست. جبهه خلق برای آزادی عمان سازمان است تلقی که از درون خلق ستمدیده و فاساد شده عمان برخاسته، معنی به خلق است در راه هدفهای خلقی-رهائی کشور از تنگ سلطه مستعمرانه امپریالیسم و ارتجاع اخلی وابسته بدان، عمل میکند. دشمن اصلی این جبهه در درجه اول امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و دستیار انگلیسی آن و نیز عمال آنها از قبیل لطان قابوس، انورسات (بجای شاه خلوع) و دیگرانی از این قماشند که باقت سرنوشتی بهتر از محمد رضا نخواهند داشت.

یکی از علل سقوط رژیم شاه جنایتکار ایران نقشی بوده که بعنوان «ژاندارم منطقه‌ای امپریالیسم» برعهده گرفت. دود عزام ارتش برای سرکوب خلقی رژیم عمان در ظاهر عملی کردید. ایفاء این نقش کثیف باعث آن شد که نظام مگرکی، یعنی سیاست تجاوزی در منطقه، اساس سیاست رژیم گردد و در راه اجرای آن درآمد کشور از نفت برای خرید اسلحه و تقویت نیروی نظامی به انحصارهای سلطنتی تحویل نهاده شد، یعنی ثروت و هستی ما بطور عمده بین انحصارهای نفتی و انحصارهای اسلحه سازی تقسیم شده و در نتیجه جرخ اقتصاد کشور از گردش موزون بازمماند، با تمام عواقب ناشی از آن در تمام عرصه‌های زندگی که بر مردمش «هفتادمن کاغذ» می‌شود و ناقبتش به بحران حکومت شاه مخلوع انجامید.

مداخله نظامی رژیم شاه مخلوع در عمان مدت کوتاهی پس از تدوین دکترین گوام نیکسون و تقریباً بلافاصله پس از خروج نیروهای انگلیسی از کشورهای جنوب خلیج فارس آغاز شد. سرانجام ایرانی به عمان گسیل شدند تا زیر فرماندهی ژنرال وستاد عملیاتی انگلستان همچون قشون مستعمراتی و برای حفظ «قبات» سلطه امپریالیسم در عمان قربانی شوند. شاه مخلوع در ماهین ۱۳۵۱ مداخله در امور داخلی عمان را ابتدا با اسلحه آغاز کرد و سپس دیری نگذشت که حدود ۶۰۰۰ سرباز به منطقه ظفار اعزام داشت. این نخستین کام باصطلاح «عجرامه و سری» در با تعلق گذارده شد. تا دیماه

۱۳۵۳ تعداد سربازان اعزامی ایرانی به حدود ۱۱ هزار نفر رسید، که اویسی آنها را با نطفهای آتشین که شش به شش همدای از کفار و اشرار می‌روید، به فتلگاه میفرستاد.

از دیماه ۱۳۵۲ تا مهرماه ۱۳۵۴ جنگ در عمانه تاجاوی علیه استقلال طلبان عمان با شدت جریان داشت و تلفات ارتش اعزامی با شتاب فزونی میگرفت. ناراضی نه فقط در قشون اعزامی، بلکه در سربازخانه‌های درون کشور توسعه مییافت. در برابر بسیاری از افراد و افسران ارتش این سوال مطرح شد که چرا باید فرمان شاه در خدمت به امپریالیسم یا انگلیس در هزار کیلو متری مرزهای کشور قربانی شد؟

جنگ تجاوزی ارتش اعزامی ایران بسبب امریکایی با همان بربر منشی امریکاییان در ویتنام، جریمان یافت. سربازان نا فرمان خودی را زنده بگور می‌کردند و از قتل عام زنان و کودکان و سالیان در گذار نمی‌نمودند. ولی شدت دشمنی هیچگاه نتوانست نه روحیه ارتش اعزامی را بالا برد و نه روحیه خلقی رژیم عمان را بشکند. ستوان یکم اشرفیان بدرستی گفت: «مهمان پرستان ظفار علی رغم قهرمادی و وحشتناک از چیز بسیار با شکوهی که ما فاقد آن هستیم غنی هستند و آن ایمان به هدفی است که در برابر خود قرارداد داده‌اند، یعنی آزادی و استقلال و بردباری در برابر مصائب و مشقات در راه دستیابی باین هدف».

اینک در عمان سلطان زده و استعمار زده، همان خلق، با افتخار ایمان به پیروزی و کسب استقلال و آزادی باقی است مبارزه و چنین خلقی سرانجام به رغم مصائب و مشقات، به رغم تمام دشمنان خارجی و داخلی، به رغم امپریالیسم جها نخوار و سلطان قابوس و سادات (که اینک بجای شاه عمل میکنند) و دیگر عمال فرومایه اربابان امپریالیست، به پیروزی خواهد رسید. بهمانگونه که خلق ایران در برآمدن رضا شاه خائن و دستگاه قهر جهنمی اش چیره شد، خلق عمان نیز با ساط قابوس و اربابان باشر از کشور خویش بر خواهند چید.

ما بمناسبت سالروز تشکیل جبهه خلق برای آزادی عمان، به خلق رژیم عمان درود میفرستیم و اطمینان داریم که این خلق ستمدیده برادر نیز استقلال و آزادی کشور خویش را بدست خواهد آورد.

تبهکاران امپریالیست

دستهای آلوده خود را بالجن حاشامیشوند

آن تا آخرین لحظه ممکن در پشت سر شاه مخلوع قرار داشت. این نیروهای جهنمی و جهانخواه که بعلمت وجود شرایط خاص دوران مانمی- توانستند مستقیماً پدخال غلبی بپردازند و در برابر سبیل خروشان انقلاب بایستند و آنرا از پیشرفت بازدارند، پس از پیروزی مرحله اول انقلاب، در صدد برآمدند با تحریک و توطئه و تولید مشکلات و ایجاد اختلاف بین خلقها و پیروان مسلکهای مختلف، انقلاب را از مسیر خود منحرف کنند، آنرا به نا توانی بکشاند و فرصت ضریبی را که میخواستند در دست آورند. در پشت سر هر یک از حوادث خونینی که طی این مدت کوتاه بر مردم میبند ما گذشت، از جریان ناگوار گنبدت کشتار فتنه و نا آرامیهای کردستان، تا حوادث غم انگیزی که اینک در خوزستان میگذرد، شهادت جنایتکار آلوده در خون امپریالیست‌ها و درجه اول امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و صهیونیستها را در همکارانی با شاه مخلوع و عمال او همان میبینید.

دیگر کسی را نمیتوان یافت که کم یابیش نداند که از طرف امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی این مدافعان تند و تیز حقوق بشر در کشور ما چه گذشت. کسی نیست که نداند که این توطئه تبهکارانه سیا و اینتلجینس سرویس بود که یک مردک را در زندگی بیش از یک ربع قرن بر کشور ما فرمانروا کرد و رؤیسی راهی افکند، که اساس آن را خیانت، جنایت، غارتگری، بی بندوبار، فساد پروری بی شرمانه و ترور و اختناق تشکیل میداد. کسی نیست که نداند که از برکت این رژیم ضد بشری، روزی که محمدرضا از ایران رفت، حدود ۲۳ میلیارد دلار از ثروت تاراج شده را خود بیانکهای امپریالیستی و خاصه بانکهای امریکا منتقل کرد، و در عین حال بعد از ریختن پاشهای فراوان، بیش از ۶۰ میلیارد دلار در مجموع بابت بهای اسلحه و حقوق کارشناسان جیبی تاراجگران امریکائی و انگلیسی ریخته بود. کسی نیست که نداند که این تاراج ایلغار گانه مردم ما همراه بود با دهها هزار کشته، که چه در یورشهای دسته جمعی دشمنان رژیم شهید شدند، چه گروه گروه در کتله زندانها یا در زیر شکنجه از بین رفتند، و یا بدست جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

مصاحبه دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق کیانوری، با روزنامه کویته «الانباء» که ضمن آن دخالتهای حادثه آفرین ایالات متحده آمریکا و همچنین انگلستان در امور داخلی ایران افشاء شده است، در محافل مربوط و آگنشیهای تولید کرده، که پایه آن راهبان مثل معروف «دیوار حاشا بلند است» تشکیل میدهد. مثلاً سخنگوی سفارت بریتانیا در تهران، از قول دولت متبوع خود، دخالتهای انگلستان را در حوادث ایران تکذیب کرده است و در حالی که سفارت امریکا، ظاهراً بعلمت غیبت عضو مسئول خود، در این زمینه سکوت کرده است!

این بار اول نیست که تبهکاران امپریالیست از دیوار بلند حاشا بالا میروند و سکوت سفارت امریکا هم، بهر علت که باشد، هیچ چیز تغییر نمیدهد.

تا همان اواخر انقلاب و تا هنگامی که هنوز تهمانده امیدیه به متوقف ساختن انقلاب بود، نعره های آقای کارتی جهان را بر آوازه کرده بود که: حمایت از شاه برای امریکا یک امر حیاتی است.

آقای اوز، وزیر خارجه سابق انگلستان هم بهمین منوال داد سخن داده بود. پس از پیروزی انقلاب، این اشتباه ما جای خود را به ایگو و انا داد و محافل حاکمه امریکائی انگلستان ناگزیر شدند ظاهراً «به جمهوری اسلامی» که نمره درخشان انقلاب بود، گردن تمبند و ادعا کنند که گویا دول امریکا و انگلستان آب توبه بر سر ریخته و دیگر در امور داخلی ایران دخالت ندارند!

اینها واقعیات انکار ناپذیری است از دخالت بی شرمانه و خطرناک امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در امور داخلی ایران. «تکذیب» یکی، «سکوت» دیگری و انکار همگی نمیتواند تفسیری در این واقعیت بدهد.

مردم ایران هم این واقعیت را می بینند، دخالت امپریالیسم، بر سرگردگی امپریالیسم امریکا، را در امور داخلی ایران محکوم میکنند و میکوشند تا با مبارزه متحد خود این دخالتها را عقیم گذارند.

اما این نتاجی، در حقیقت هیچ واقعیتی را تفسیر نداد و امید میدهد، امروز در سر تا سر ایران استفاده میشود.

سلسفانه با آنکه بسیاری از رهبران انقلاب ایران بدرستی از این نقشه شوم امپریالیسم امریکائی دیگر کشورهای سرمایه داری، که منافشان در ایران و منطقه به خطل افتاده است، آگاهانند، و با آنکه میدانند رژیم انقلابی جوان ایران ابتدا میبایست به مشکلات درون مرزی خود توجه داشته باشد و با هر گونه دست درازی امپریالیسم مبارزه کند، در برابر عناصری که سعی دارند درگیری های مرزی، تیره سازی روابط حسن همجواری با کشورهای همسایه و مشکلات بیرون مرزی برای ایران تازه استقلال یافته بوجود آورند، سکوت میکنند.

اما این نتاجی، در حقیقت هیچ واقعیتی را تفسیر نداد و امید میدهد، امروز در سر تا سر ایران استفاده میشود.

سلسفانه با آنکه بسیاری از رهبران انقلاب ایران بدرستی از این نقشه شوم امپریالیسم امریکائی دیگر کشورهای سرمایه داری، که منافشان در ایران و منطقه به خطل افتاده است، آگاهانند، و با آنکه میدانند رژیم انقلابی جوان ایران ابتدا میبایست به مشکلات درون مرزی خود توجه داشته باشد و با هر گونه دست درازی امپریالیسم مبارزه کند، در برابر عناصری که سعی دارند درگیری های مرزی، تیره سازی روابط حسن همجواری با کشورهای همسایه و مشکلات بیرون مرزی برای ایران تازه استقلال یافته بوجود آورند، سکوت میکنند.

در حالیکه ضد انقلاب تمام نیروی خود را در داخل ایران بخدمت گرفته است تا از تحکیم دستاوردهای انقلاب و برقراری حکومت خلقی در جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند و هر روز در گوشه‌ای از کشور ماجراهای خونین جدیدی بوجود می‌آورد. در خارج از مرزهای ایران بود برخی از کشورهای منطقه نیز دولتهای گوش پفرمان امپریالیسم امریکا ساختنشسته و دست در دست سربوردگان رژیم سرتکون شده، برای انقلاب ایران توطئه تدارک می‌بینند.

تیمسار مدنی، استاندار خوزستان، در جریان حوادث اخیر خوزستان، پرده از این تلاشهای خارج مرزی ایران برداشت و برای نخستین بار فاش ساخت که، بهرخی کشورهای خلیج فارس و منطقه خاورمیانه در حوادث خوزستان به نوعی دست دارند و عوامل رژیم گذشته در این کشورها به ضد انقلابیون داخل ایران یاری میرسانند، بخش برنامه‌های تحریک کننده از طریق رادیوها و کمک به قاچاق اسلحه و همچنین مانور چنگنده‌های دولت عراق بر فراز خاک ایران و حتی بهاران روستاهای غربی ایران در چند روز اخیر، خبرش از طریق وسائل

چه کسانی از تیرگی روابط ایران با همسایگانش سود میبرند

ارتباط جمعی با اطلاع مردم رسید. تلاشهایی که در بیرون از مرزهای ایران انجام میشود، ارتباط مستقیم با تلاشهای ضد انقلاب در درون مرزهای ایران دارد و این نشانه آنست که امپریالیسم برای یاری رساندن به ضد انقلابیون از هیچ تلاشی فروگذار نمیکند.

آنچه که با بر سر رویدادها و اخبار منتشر شده میتوان حدس زد اینست که، امپریالیسم سعی دارد با ایجاد فامنی در مرزهای ایران و چو ضد انقلاب ایران در برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس؛ رژیم انقلابی جوان ایران را، علاوه بر مشکلاتی که در درون مرزها دارد، در بیرون از مرزهایش نیز گرفتار کند. تحریم اقتصادی، دروغ پراکنی، جنگ مرزی، تحریک به تجزیه طلبی و حتی تدارک دخالت مستقیم و نظامی- حداقل بصورت تهدید برای ارباب- از شیوه‌های کهنه امپریالیسم در برابر رژیمهای انقلابی است. که به شک آژمه آنها برای جلوگیری از تحکیم دستاوردهای انقلاب ایران نیز استفاده میشود. البته برای اجرای این نقشه‌های شوم و ضد خلقی از تمام امکانات ضد انقلابی داخل کشورهای انقلابی نیز

توجه!

رفیق گرامی حسین پندر دادوش

رفیقی که پس از کودتای ۲۸ مرداد کمکهای با ارزشی به حزب کردید با تغییراتی که پیدا شده ما نتوانستیم خانه شما را پیدا کنیم. اگر در تهران هستید، خواهش میکنیم مستقیماً به دفتر «مردم» مراجعه کنید و یا تلفن نشانی خود را بدهید.

با درود فراوان
«مردم»

رفقا و دوستانی که در خارج از کشورند، می‌توانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند.

Sweden
Stockholm
Spar hanken Stockholm
Nr: 0400 120 50
Dr. John Takman

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

نشانی،
خا بسان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن،
۹۳۳۳۵۹ ۹۳۵۷۲۸

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق